



تحمیل قرارداد دسته‌جمعی، پیروزی کارگران مجتمع مس سرچشمه



صادق کار

صنفاى ديگر از كار اخراج شد، از ديگر مطالبات كارگران مس سرچشمه هستند.

بنا به گزارشى كه در ۲۳ ارديبهشت در ارتباط با اين اعتصاب در خبرگزارى كار ايران «ايلنا» منتشر شده، كارگران به كارفرما ۴۵ روز مهلت داده‌اند تا پيمان دسته‌جمعى را كه بر اساس فصل هفتم قانون كار با حضور نمايندگان اداره‌ى كار با كارگران منعقد نموده، به اجرا بگذارد. بنا بر همين گزارش، كارگران به هنگام انعقاد قرارداد مذكور با كارفرما، روى بازگشت به كار همكار اخراجى‌شان تاكيد كرده‌اند.

يكي از كارگران در مورد علت اعتراض و اخراج همكار حق‌طلب‌اش، گفته است: "دليل اين اعتراض خوددارى كارفرما از پرداخت ۳۰ ساعت اضافه‌كارى مربوط به ۱۰ روز پايانى سال ۹۳ بوده است. پس از اين اعتراض يكي از كارگران با پيش از ۱۸ سال سابقه كار اخراج شد.

كارگران كارخانه‌ى ضرب سكه‌ى «باهر كرمان» كه بخشى از مجتمع مس سرچشمه است، پس از ماه‌ها كشمكش و چانه‌زنى بى‌نتيجه با كارفرما بر سر مطالبات‌شان، سرانجام توانستند با توسل به يك اعتصاب دسته‌جمعى يك روزه در ۲۲ ارديبهشت، كارفرما را مجبور به انعقاد قرارداد دسته‌جمعى نمايند.

پيش از اين، كارفرما على‌رغم قولى كه به كارگران اين واحد توليدى سودآور داده بود (كه در صورت افزايش توليد، دستمزدشان را افزايش خواهد داد و به ساير مطالبات‌شان نيز رسيدگى خواهد شد)، پس از آن كه كارگران توليد را افزايش دادند، از افزايش دستمزد كارگران سرباز زده بود.

رفع تبعيض مزدى ميان كارگران و مسئولان ارشد مجتمع مس كرمان، پرداخت حق بن كارگرى به ميزان گذشته، تايمين امنيت شغلى و بازگشت به كار يكي از نمايندگان كارگران كه دو ماه قبل به دليل شركت در يك اعتراض



از تجربه دیگران

کارگران می‌گویند این کارگر قدیمی نقشی بیشتر از سایر همکارانش در این اعتراض نداشته است"

تشکل‌های کارگری در پاکستان - ۵

بدون هیچ نقشی در روند سیاسی، چرا؟

کریستوفر کاندلند Christopher Candland

ترجمه‌ی گودرز

مؤسسات استعماری دولت

دولت پاکستان که اداره‌ی کشور جدید را بر عهده گرفت، از همان قبل از تأسیس پاکستان بر آن بود که یک دولت مرکزی با شیوه‌ای سرکوب‌گرانه برای اداره‌ی مملکت ایجاد کند. محمد علی جناح، رهبر جماعت اسلامی هند، تصمیم گرفت به جای آن که یک دولت انتخابی از طرف مردم پاکستان ایجاد کند، خود در جایگاه فرماندار عمومی، که یک مقام حکومتی موجود از طرف دولت استعماری بریتانیا بود، قرار گیرد.

تقریباً تا یک دهه پس از استقلال، دولت همچنان منبعث از همان مقام ایجاد شده بر اساس قانون مصوب ۱۹۳۵ دولت بریتانیا بود. از همان ابتدای موجودیت پاکستان، ابزار کنترل دولتی، از جمله ماده‌ی ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری در ممنوعیت اجتماعات، مکرراً به کار گرفته شدند. اقدام ارتش در انضمام ایالت خلت، بخشی از بلوچستان کنونی، نیز اقدامی بر اساس قوانین حاکمیت استعماری بود.

تا سال ۱۹۵۱ فرماندهی بزرگ ارتشتاران پاکستان همچنان یک افسر انگلیسی بود و یک افسر بریتانیایی هم تا ۱۹۵۶ فرماندهی نیروی هوایی پاکستان بود. مؤسسات حاکمیت استعماری بر این اساس طراحی شده بودند که استفاده از منابع محلی را برای استفاده‌ی شخصی حاکمان تضمین کنند و عموم مردم را تحت سیطره‌ی قوه‌ی قهریه‌ی ارتش و پلیس و بوروکراسی حاکم درآورند و نه آن که در تشویق توسعه‌ی اقتصادی و تأمین منافع اجتماعی به کار گرفته شوند. این مؤسسات با قدرت سابق بعد از پایان حاکمیت استعماری هم در پاکستان باقی ماندند.

حق انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی کار میان کارفرمایان و کارگران، در واقع حقی است که در مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار مد نظر قرار گرفته و در فصل هفتم قانون کار فعلی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است و به همین سبب اصولاً و قانوناً اعتراض به عدم رعایت آن نه تنها جرم نیست، بلکه حق است.

بنابراین پیگرد و اخراج کارگران به خاطر فشار آوردن به کارفرمایان برای رعایت قانون مذکور، خود عملی است حتی مغایر با مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کار.

فصل هفتم قانون کار نیز متأسفانه مانند اکثر فصول مثبت قانون کار تا کنون مسکوت مانده و وزارت کار که از لحاظ قانونی مکلف به اجرای آن است به جای فراهم کردن الزامات اجرای مواد مرتبط با این حق، پیوسته به اشکال مختلف با جلوگیری از تشکیل سندیکاها و عدم حمایت از کارگرانی که به خاطر تلاش در این ارتباط از کار اخراج و تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و اقدامات ایضایی دیگر مانع اجرای مواد فوق‌الذکر شده‌اند.

این که این بار نیز خود کارگران توانسته‌اند به وسیله اعتصاب حداقل در یک واحد تولیدی بزرگ کارفرما را وادار به انعقاد پیمان دسته‌جمعی کنند و گامی در جهت حقوق سندیکایی‌شان به پیش بردارند، اقدامی است ارزنده و آموختنی و حکایت از مصمم بودن کارگران برای رسیدن به حقوق سندیکایی‌شان دارد.

بدیهی است که کارفرمایان به بهانه‌های مختلف و با سوءاستفاده از موقعیتی که دولت و وزارت کار با از میان برداشتن حقوق سندیکایی کارگران و باز گذاشتن دست کارفرمایان برای اخراج کارگران مبارز و حق‌طلب فراهم نموده، به آسانی تن به اجرای این قوانین ندهند.

ولی کارگران با حرکت در این مسیر درست سرانجام این حق را به دولت و کارفرمایان تحمیل خواهند کرد .



در مقام مقایسه، در همان سال مجموعه‌ی کارگران عضو اتحادیه‌ها در هند ۱/۷ درصد از پس از اعلام حکومت نظامی در سال ۱۹۵۸ توسط ایوب خان، تصریح شد که قانون کار برای رسمیت بخشیدن به روابط کار و برای کنترل جنبش کارگری از مجاری دولتی خواهد بود. به طور مثال در ۱۹۵۹ قانون حل و فصل مناقشات کاری جایگزین قانون اتحادیه‌های صنفی ۱۹۲۶ و قانون رفع مناقشات کاری مصوب ۱۹۲۹ دوران استعمار شد. قانون جدید مصالحه، داوری و حکمیت را اجباری نمود، تعداد کارکنان غیر عضو در اتحادیه‌ها را به ۲۵٪ محدود کرد و جمع آوری کمک مالی اتحادیه‌ها برای فعالیت‌های سیاسی را ممنوع نمود.

قوانین ناظر بر روابط کارگران صنعتی پاکستان تا سال ۱۹۵۹ را می‌توان محدود کننده و سرکوب‌گرانه توصیف نمود.

البته دولت هندوستان نیز برای کنترل حرکت کارگران اقداماتی را به کار برده بود ولی سرکوب‌های ضد کارگری در پاکستان بسیار بیشتر شکل طبیعی و غالب گرفته بودند.

اتحادیه‌های ضد کمونیستی

تشکیل کشور پاکستان با آغاز جنگ سرد [نیز] همزمان شد و دولت پاکستان به اتحاد ضد کمونیستی پیوست که ایالات متحده در آن مقابله با فعالان کارگری و تشکل‌های آنان را هدف گرفته بود.

گرچه حزب کمونیست هندوستان از تشکیل کشور پاکستان حمایت کرد، کمونیست‌های پاکستان اما تحت تعقیب دولت خودشان، که مدام در پی شکار آنان بود، قرار گرفتند.

شخص محمدعلی جناح کمونیست‌ها را عامل درگیری‌های زبانی در بنگال شرقی در سال ۱۹۴۸ می‌دانست. در ۱۹۵۴ دولت فعالیت حزب کمونیست را به کلی منع نمود، و تا ۱۹۵۸ کلیه کتابخانه‌های دانشگاهی از هر اثر نزدیک به ادبیات کمونیستی پاک‌سازی شد. داشتن کتاب‌های با آن مضمون هم با مجازات‌های سنگین روبه‌رو می‌شد.

در همین زمان دولت ایالات متحده و سازمان‌های نیمه دولتی آمریکایی، پاکستان را با کتاب‌های آموزشی برای کارگران و تبلیغات ضد کمونیستی اشباع کرده بودند.

همان‌طور که کرامت علی می‌نویسد، دولت نه فقط در کارخانه‌ها (با دادن اختیار کامل به کارفرمایان برای نفی حق

آمادگی دولت جدید برای تأخیر در تأمین منافع مردم تا بتواند به خدمت به دولت بریتانیا و بعدها ایالات متحده ادامه دهد، باعث شد که مؤسسات ضد دموکراتیک استعماری در اقتصاد سیاسی پاکستان نهادینه شوند. از همین روی دولت در سال‌های اولیه‌ی حیات پاکستان برای رسمیت بخشیدن به روابط صنعتی هیچ تلاشی ننمود.

در نتیجه دهه‌ی ۱۹۵۰ شاهد اعتصابات متعدد کارگران صنعتی در پاکستان بود. نگرانی از رشد نارضایتی‌های کارگری، به ویژه در پاکستان شرقی، باعث شد که دولت برای مقابله با این نارضایتی‌ها به دو استراتژی روی آورد:

دولت از سویی اعلام کرد که مایل است به خواسته‌های کارگران پاسخ گوید و حق آنان را برای تشکل به رسمیت بشناسد؛ اما هم‌زمان قوانینی را وضع کرد که ضمن کنترل بیشتر کارگران، در عمل تشکل اتحادیه‌ها را غیر ممکن ساخت.

در ماه‌های فوریه و مه ۱۹۵۲ دولت پیوستن به دو معاهده‌ی بین‌المللی مصوب مجمع عمومی سازمان بین‌المللی کار (ILO)، آزادی سازمان‌دهی و حمایت از حق تشکل شماره ۸۷ مصوب ۱۹۴۸، و حق تشکل و قرارداد جمعی کار شماره ۹۸ مصوب ۱۹۴۹ را تصویب نمود.

اما با تصویب قانون تأمین خدمات پایه Essential Services Maintenance Act (ESMA) در همان سال، که عملاً تنها قانون ناظر به روابط کارگری در کشور تا هنگام حکومت نظامی بود، بخش عمده‌ای از کارگران از حق تشکل صنفی و ایجاد اتحادیه‌های کارگری محروم شدند.

قانون ESMA به دولت اختیار تام داده بود که در هر حرفه و رشته‌ای که صلاح می‌دید به این بهانه که برای تأمین منافع ملی ضروری است، تشکل اتحادیه‌های صنفی و قراردادهای جمعی را ممنوع کند و عدم حضور بر سر کار و دست کشیدن از کار در آن اصناف را اقدامی مجرمانه تعریف نماید. اقدامات جمعی در محیط کاری در این بخش‌های صنعتی ممنوع شدند؛ درحالی که هیچ دادگاهی هم شکایت کارگران متأثر از این قانون را برای اعاده‌ی دادرسی نمی‌پذیرفت و خود را از شنیدن تظلم معاف می‌شناخت. تحت قانون تأمین خدمات پایه که هنوز هم پابرجاست، کارگران بخش کشاورزی - هم‌چنان که کارگران دیگر بخش‌های «پایه‌ای»، مثلاً در بخش آموزشی- از داشتن اتحادیه ممنوع شده‌اند. با همه‌ی این محدودیت‌ها بالطبع تعجب‌آور نیست که مجموع کارگران عضو اتحادیه‌های صنفی فقط هفت‌درصد از کل نیروی فعال کاری را در سال ۲۰۰۰ تشکیل می‌دادند. کل نیروی فعال کار را تشکیل می‌دادند.



اخبار خارجی:

مالزی:

کودکانی که مالزی آنها را نمی‌خواهد

بی.بی.سی.، ۱۲ می ۲۰۱۵ و گزارشی از الجزیره

جست‌وجو برای یک زندگی و کار بهتر مهم‌ترین دلایلی‌اند که انسان‌ها را به کندن از ریشه‌شان وا می‌دارند. به همین دلیل اکنون ده‌ها هزار کارگر از اطراف و اکناف جنوب شرقی آسیا به مالزی روی آورده‌اند. شمار کارگران خارجی در این کشور بالغ بر چهار میلیون است. اما آینده‌ی این کارگران مهاجر و خاصه فرزندان آنان در مالزی ابدأ روشن به نظر نمی‌رسد؛ زیرا دولت مالزی آنان را نمی‌خواهد و از دادن مدارک لازم به آنان پرهیز می‌کند.

فعالان کارگری و حقوق بشری تخمین می‌زنند که حدود ۱۰۰ هزار کودک بدون هرگونه مدرک تنها در ایالت صباح زندگی می‌کنند.

این مهاجران فاقد حق کاراند و نمی‌توانند فرزندان‌شان را به مدرسه بفرستند. آنان مدام در معرض خطر بهره‌کشی‌های غیرقانونی و سوءاستفاده تا حد نهایه‌اند.

خی چی سوه (Khei Chi Soh) یکی از آنان است. کارگر زنی که از برمه به مالزی روی آورده است.

تازه‌نوزادش هنوز در بخش مراقبت‌های ویژه است و خود او هنوز از دردهای هنگام زایمان التیام نیافته است.

یک روز پس از زایمان، مأموران اداره‌ی مهاجرت بر سر تخت او در بیمارستان کوالالامپور حاضر شدند. به او گفتند که می‌تواند فرزندش را برای آخرین بار ببیند.

مذاکره‌ی دست جمعی و تشکل کارگران) بلکه حتی در بیرون از کارخانه با تبلیغات ایدئولوژیک ضد کمونیستی دولتی، کارگران را کنترل می‌کرد و تحت فشار قرار می‌داد.

با رابطه‌ی استراتژیک بین دول پاکستان و ایالات متحده و ارتش و نیروهای نظامی دوکشور و نفوذ آمریکا بر آن، فعالیت اتحادیه‌های صنفی کارگری افزایش یافته بود. ورود پاکستان به اتحادیه‌های مشترک نظامی و امنیتی اقتصادی دوجانبه و بعد چند جانبه با آمریکا باعث شد که سرکوب جنبش کارگری چپ حدت گیرد و سپس تشکلی اتحادیه‌های صنفی غیر سیاسی و ضدکمونیست در دستور کار قرار گیرد تا جایی که تشکل جدیدی به نام کنفدراسیون کارگران فراگیر پاکستان (All Pakistan Confederation of Labor (APCOL) به وجود آمد.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری (International Confederation for Free Trade Unions - ICFTU) که مرکزش در بروکسل بود، دفاتری در کراچی و لاهور تأسیس کرد و کمک‌های مالی و لجستیکی فراوانی را به کنفدراسیون کارگری پاکستان عرضه نمود و رهبران کارگری را برای تورهای سیاحتی-آموزشی به آمریکا فرستاد تا اتحادیه‌های مستقل (غیر سیاسی) مدل آمریکایی را تجربه کنند. عبدالمالک، وزیر کار پاکستان، خود این کنفدراسیون را در اوج رشد کارگران صنعتی پاکستان اداره می‌کرد.

در آغاز، دولت سعی داشت اتحاد سراسری کارگران را حول کنفدراسیون حفظ نماید، اما با اوج‌گیری جنگ سرد، شکاف در جنبش جهانی کارگری باعث شد که خط و مرز بینش‌های جهانی در این‌جا هم شکاف در میان کارگران پاکستان را به وجود آورد. در سال‌های دهه‌ی ۱۹۶۰ کنفدراسیون سراسری چند شاخه شد و نیم دوجین اتحادیه‌های جداگانه پدید آمدند. ICFTU نیز مانند فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (World Federation of Trade Unions – WFTU) هریک عضویت تعدادی از این فدراسیون‌های جدید رقیب یکدیگر را پذیرفتند. تمایز و اختلافات عمده در جنبش کارگری پاکستان را می‌توان تا تفاوت‌های قبل از استقلال، که زمانی باعث انشعاب فدراسیون کارگری هند تحت رهبری ام ان روی سوسیالیست از کنگره‌ی سراسری اتحادیه‌های صنفی هند شده بود، ریشه‌یابی کرد. وابستگی فدراسیون‌های پاکستان به ICFTU و WFTU رقابت‌های سیاسی بین این تشکل‌ها را در درون جنبش کارگری پاکستان سرعت و استحکام بخشید.



زیستگاه گروهی از کارگران مهاجر در مالزی

آن‌گاه این زن جوان پریشان‌حال را به بازداشت‌گاه مخصوص مهاجران «غیر قانونی» منتقل کردند. تا یک ماه او از این‌که دختر نوزادش زنده است یا مرده، خبر نداشت.

خی یکی از چندصد هزار پناه‌جو یا مهاجری است که کشور خود را به مقصد مالزی ترک کرده است. اما همچون بسیاری دیگر او نیز، به جای برخوردار شدن از مأوایی، جز ورود به وضعی که سوءاستفاده و بهره‌کشی در انتظار فرد است، چیزی نصیب‌اش نشده است.

این مهاجران، که مدام تحت تعقیب حکومتی‌اند که قصد کرده است از دامنه‌ی مهاجرت به مالزی بکاهد، بر این نظراند که دفتر سازمان ملل در امور پناهجویان نیز در حق آنان قصور می‌ورزد.

مالزی کنوانسیون سازمان ملل برای پناهجویان را امضا نکرده است. در نتیجه کسانی که برای پناهندگی به مالزی می‌روند، پیش از آن‌که بتوانند در لیست‌های طولانی برای انتقال به دیگر کشورها قرار گیرند، باید نزد کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان ثبت شوند و حق پناهندگی‌شان محرز گردد.

این روند، گاه یک دهه طول می‌کشد. در این مدت آنان در ترس از پلیس به سر می‌برند؛ پلیسی، که به زعم پناهجویان از آنان پول می‌طلبد تا آنان را به بازداشت‌گاه‌های شهره به سوءاستفاده و بدرفتاری نفرستد.

این کارگران، محروم از حق کار و محروم از اعزام کودکان‌شان به مدرسه، زندگی شکننده‌ای را در حاشیه‌های جامعه در مبارزه‌ای تنها برای بقا، سر می‌کنند.

بریتانیا:

کارگران «شبکه» به اعتصاب رأی دادند

بی. بی. سی، ۱۲ می ۲۰۱۵

بنا به خبر «اتحادیه‌ی کارگران راه‌آهن، ترابری و کشتی‌رانی»، کارگران شرکت راه‌آهن «شبکه» در مناقشه بر سر دستمزدها به یک اعتصاب سراسری در بریتانیا رأی دادند.

اعضای این اتحادیه، ۴ به ۱ به اعتصاب سراسری رأی دادند

و به این ترتیب پیشنهاد شرکت «شبکه» در مورد دستمزدها را رد کردند. این شرکت دارنده و نگهدارنده‌ی بخش اعظم زیرساخت راه‌آهن بریتانیا است.

پیشنهاد شرکت «شبکه» که کارگران آن را رد کردند، این بود: یک پرداخت یک‌باره به مبلغ ۵۰۰ پوند و افزایش دستمزدها برابر تورم به مدت سه سال.

میک کش، مدیرکل اتحادیه‌ی فوق‌الذکر، می‌گوید: «این پاسخ کارگران نشانه‌ی خشم آنان از مدیران‌شان است.»

اکنون به عهده‌ی اتحادیه و مشخصاً هیأت اجرایی آن است که امکانات برای اعتصاب را بررسی کند و آن را سازمان دهد.

* * * * *

یونان:

جشن نظافت‌کاران بازگشته به کار با اعضای کابینه

گزارش‌گر یونان (Greek reporter)، ۱۲ می ۲۰۱۵

امروز، سه‌شنبه ۱۲ می، تصمیم به بازگشت به کار نظافت‌کاران وزارت اقتصاد یونان با حضور برخی از وزرا و دیگر مقامات رسمی جشن گرفته شد. نظافت‌کاران با شیرینی از حاضران پذیرایی کردند و پیروزی خود را جشن گرفتند.

صبح روز دوشنبه‌ی گذشته نیز جشنی در برابر وزارت اقتصاد یونان بر پا بود. عده‌ای از نظافت‌کاران اخراج شده توسط دولت پیشین یونان در این محل به اعتراض چادری



کتاب کارگران ایران

اعتراض به دستگیری کارگران در ایران



کانون مدافعان حقوق کارگر

کنفدراسیون بین المللی کارگران به سازمان جهانی کار در مورد دستگیری فعالان کارگری در ایران شکایت کرد.

کنفدراسیون بین المللی کارگران (ای. تی. یو. سی) به سازمان جهانی کار در باره دستگیری کارگران در ایران شکایت کرده است. این کنفدراسیون همراه با اتحادیه حمل و نقل بین المللی (ای تی اف) شکایتی را در مورد دستگیری فعالان کارگری، محمود صالحی، ابراهیم مددی، داود رضوی و عثمان اسماعیلی و تعدادی دیگر از فعالان کارگری به سازمان جهانی کار تسلیم کرده است. این فعالان کارگری که تعدادی از آنها در آستانه روز جهانی کارگر دستگیر شده‌اند اکنون در زندان بسر می‌برند و عثمان اسماعیلی با قرار ۷۰ میلیون تومانی آزاد شده است. این کنفدراسیون در شکوائیه خود خواهان آزادی آنها و منع تعقیب فعالان کارگری شده است. در این شکوائیه آمده است که قبلاً نیز طی نامه‌ای از مقامات ایران خواستار آزادی این زندانیان شده بود که این نامه‌ها بی‌جواب مانده است. این شکوائیه با امضای شارون بارو رئیس این کنفدراسیون منتشر و ارسال شده است.

جلوگیری از برگزاری جشن روز کارگر در شرکت واحد

مدیریت و حراست شرکت واحد و پلیس امنیت عمومی با حضور بسیار گسترده در پایانه آزادی محل برگزاری جشن اول ماه مه کارگران شرکت واحد مانع از برگزاری مراسم این روز در ساعت مقرر شدند.



برای تمام سال افزاشته بودند. دولت جدید یونان تصمیم گرفت حکم اخراج و خاتمه‌ی خدمت این کارگران را، که ۲۰ ماه از آن می‌گذرد، لغو کند.

نادیا والوانی، معاون وزیر اقتصاد یونان، گیورگوس کاتروگالوس، وزیر اصلاحات اداری، نیکوس ووتسیس، وزیر کشور، و تعدادی از نمایندگان مجلس عضو حزب سیریزا در جشن امروز نظافت‌کاران حضور داشتند.

موزیک جشن توسط رادیوی «به رنگ سرخ»، که یک رادیوی طرفدار دولت کنونی است، فراهم شده بود.

نادیا والوانی این جشن را "واقعه‌ی کوچک امروز که منادی روی‌داد بزرگ فردا در سراسر کشور است"، توصیف کرد.

وزیر اصلاحات اداری گفت که "پیروزی نظافت‌کاران نتیجه‌ی مبارزات آنان است. بی‌مبارزه هیچ چیز حاصل نخواهد شد. اقدام امروز نظافت‌کاران ابداً محدود به این گروه نیست و به تمام و تک‌تک کارگران بخش دولتی و خصوصی مربوط است.

حرف آنها این است: تأمین حقوق کار در محل کار، ثبات در مناسبات بین کارگر و کارفرما. آنها مخالف حاکمیت ترس بر محیط کاراند و ما به زمانی باز خواهیم گشت که کارگران از حقوقی برخوردار بودند."

گزارش‌گر رادیو «به رنگ سرخ» نیز در گزارش خود اعلام کرد: "ما در حال پخش از یک نقطه‌ی استراتژیک در مبارزه‌ی کارگران‌ایم؛ نقطه‌ای که مرزهای یونان را درنوردیده است."



«تا زمانی که کارخانه به روال عادی بازنگشته است، بدون اجازه کارگران اقدامی نکنند.»

بنابر ادعای منابع کارگری، ماموران دولتی به دلیل طلب میلیاردری کارگران از کارفرمای اصلی کارخانه که هفته‌هاست در بازداشت به سر می‌برد، جانب کارگران را گرفته‌اند.

کارفرما علاوه بر پرداخت نکردن بیش از ۱۶ ماه حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی، حقوق ۴ ماه گذشته را نیز به آن‌ها بدهکار است. همچنین سرمایه صندوق تعاونی کارخانه که بالغ بر ۳۰۰ میلیون تومان ارزیابی می‌شود، تاکنون به کارگران بازگردانده نشده است. این صندوق مدت‌ها پیش منحل شده بود.

این مراسم قرار بود ساعت ۱۲ روز چهارشنبه نه اردیبهشت ماه برگزار شود اما با بازداشت سه شنبه شب ابراهیم مددی، داود رضوی و حضور گسترده پلیس امنیت و لباس شخصی‌ها از صبح چهارشنبه در پایانه آزادی و خیابان‌های اطراف و تماس تلفنی پلیس با اعضاء سندیکا و تهدید آنان، مراسم در ساعت ۱۷ همان روز پس از اینکه پلیس محل را ترک کرد برگزار شد.



کارگران با راهپیمایی در پایانه آزادی و فریاد شعار کارگر کارگر اتحاد اتحاد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زنده باد سندیکا همراه با پخش شیرینی بین همکاران و مردم این روز بزرگ را گرمی داشتند.

سندیکا بازداشت اعضاء و جلوگیری از برگزاری جشن روز کارگر را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط ابراهیم مددی رییس و داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکا است.

کارفرمای اصلی کارخانه «لوله و نورد صفا» در زندان

اعتصاب کارگران «قطار شهری اهواز» ادامه دارد



به گزارش ایلنا، کارگران معترض قطار شهری اهواز از بخش‌های حفاری، ترانسفور، تعمیرات، عملیات خاکی، ماشین آلات، اجرا، فنی، حراست و... ۴ ماه است که حقوق و مزایا دریافت نکرده‌اند به همین دلیل از روز یکشنبه (۶ اردیبهشت) حدود ۶۰۰ کارگر پیمانی از مجموع حدود هزار کارگر شاغل در این واحد دست از کار کشیده و هر روز مقابل درب ورودی کارگاه مرکزی تجمع می‌کنند. کارگران می‌گویند با وجود اعتراضات کارگری هنوز پاسخ روشنی از سوی شرکت پیمانکاری کیسون درباره پرداخت معوقات حقوقی به آنان داده نشده است. همچنین طبق اظهارات آنان، کارفرما قصد دارد طی سه روز آینده به بهانه تعطیلات کارگاه را به طور کامل تعطیل کند، این در حالی است که سابقه تعطیلی کارگاه در تعطیلات مناسبتی بجز عاشورا و تاسوعا وجود نداشته است.



به گزارش خبرنگار ایلنا، پس از آنکه صدها کارگر لوله و نورد صفا سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت مقابل ساختمان اداری کارخانه تجمع کردند، تنش بین کارگران و مدیران میانی حاضر در ساختمان بالا گرفت.

کارگران می‌گویند ماموران اداره اطلاعات، نیروی انتظامی و اداره کار در پی اتفاقات دیروز وارد کارخانه شده و به مدیران تاکید کرده‌اند



کارگرانی که در این تجمع اعتراضی حضور داشتند به ایلنا گفته‌اند که دلیل این تجمع صنفی وضعیتی است که از سوی مدیران پالایشگاه برای کارگران پدید آمده است بطوری که بخشی از مزایای شغلی کارگران قطع شده است.

به گفته کارگران قطار شهری؛ همزمان با چهاردهمین و پانزدهمین روز از آغاز اعتصاب کارگران قراردادی قطار شهری اهواز به ترتیب حکم اخراج ۱۵۰ کارگر و ۲۰ تن دیگر در بخش‌های حفاری و واحد ماشین‌آلات کارگاه قطارشهری اهواز ابلاغ شده است.

کارگر معدن «زمستان یورت» بلاتکلیف و سرگردان

منابع کارگری ایلنا در معدن زمستان یورت گزارش می‌دهند؛ حدود ۴۰ کارگر این واحد معدنی از شش ماه پیش مشمول بازنشستگی تحت قانون مشاغل سخت و زیان آور قرار دارند اما به دلیل افزایش ۴ درصدی سهم کارفرما در مشاغل سخت و زیان‌آور و عدم پرداخت این مبلغ به تامین اجتماعی، این سازمان امکان بازنشستگی را برای آنان فراهم نمی‌کند.

معاون سپاه رییس شرکت واحد اصفهان شد

محمدعلی احمدی پیش از رسیدن به ریاست شرکت واحد اصفهان در سمت معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه صاحب الزمان استان اصفهان مشغول به فعالیت بوده است.

در ماه‌های گذشته اخبار متعددی از اعتراضات کارگران شرکت واحد اصفهان به ناعادلانه بودن دستمزدها و اخراج نزدیک به ۳۰ تن از همکارانشان در ایلنا منعکس شده بود.

بر اساس گزارش‌ها، مدیرعامل جدید شرکت واحد اصفهان فردا در جمع کارگران حاضر می‌شود و برای آن‌ها صحبت می‌کند.

کارگران می‌گویند اصلی‌ترین خواسته‌شان از مدیرعامل جدید، افزایش دستمزدها و بازگشت به کار همکاران اخراجی‌شان است.

پرسنل سازمان محیط زیست تجمع کردند

ایلنا: ۲۰۰ پرسنل سازمان محیط زیست در اعتراض به شیوه عملکرد مدیران ارشد خود در مقابل این سازمان تجمع کردند.

براساس اخباری که به نقل از افراد حاضر در این اجتماع صنفی در اختیار ایلنا قرار گرفته است، خودداری مدیران سازمان محیط زیست از اجرای مقررات حقوقی و رفاهی کارکنان یکی از دلایل این اعتراض صنفی بوده است.

اخبار کوتاه

تجمع کارگران لوله سازی خوزستان در برابر دادسرا

۸۰ کارگر کارخانه لوله سازی خوزستان، در اعتراض به آنچه «توهین کارفرما به کارگران» می‌خواندند مقابل دادسرای اهواز و استانداری خوزستان تجمع کردند.

اعتصاب در مجتمع مس باهنر

منابع کارگری در کرمان گزارش می‌دهند، از روز گذشته نزدیک به ۳۰۰ کارگر مجتمع مس شهید باهنر، در اعتراض به آنچه نادیده گرفتن حقوق صنفی ۱۲۰۰ کارگر این مجتمع از سوی مدیریت عنوان شده دست از کار کشیده‌اند.

این کارگران به ایلنا گفته‌اند در طول یک سال گذشته افزایش حقوق عده‌ای از پرسنل که در رده‌های مدیریتی و پرسنلی مشغول به کارند باعث شده تبعیض‌های غیرقابل قبولی بین کارگران و سطوح بالای شرکت اتفاق بیفتد که ادامه شرایط را برای کارگران سخت کرده است.

اعتصاب در معدن زغال سنگ نگین طبس

منابع کارگری ایلنا در معدن زغال سنگ نگین طبس گزارش کردند؛ صبح (۲۱ اردیبهشت ماه) ۱۵۰ کارگر معادن ذغال سنگ نگین طبس در اعتراض به تعویق یک ماه و نیم حقوق، دست از کار کشیده و محل کار خود را ترک کردند.

تجمع کارگران پتروشیمی خوزستان

جمعی از کارگران پتروشیمی خوزستان در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی خود تجمع کردند.



این کارگر معرفی شوند.

گفتنی است «محسن مهربانی»، کارگر با سابقه پارت پلاستیک خراسان روز ۱۶ اردیبهشت بر اثر سقوط بار جرثقیل کشته شده است، منابع کارگری در تشریح وقوع این حادثه گفته‌اند بار جرثقیل که یک دستگاه تزریق پلاستیک بوده است، هنگامی بر روی این کارگر سقوط کرده که او برای آزاد کردن شیلنگی که احتمال می‌داده مانع حرکت جرثقیل شود، به جرثقیل نزدیک شده است.

📖 حوادث کار

دو کارگر در ایستگاه میاحی جان باختند

روز گذشته ۲ کارگر ایستگاه گاز می‌احی اهواز بر اثر مسمومیت با گاز مونواکسید کربن جان باختند.

به گزارش دریافتی ایلنا، در این حادثه که صبح ۲۲ اردیبهشت رخ داد، ۲ تن از کارکنان ایستگاه گاز می‌احی در هنگام تعمیر لوله‌های گاز داخل این لوله‌ها گیر کردند و دچار گاز گرفتگی شدند.

بر اساس گزارش‌ها، تسمه جرثقیل هنگام جابه‌جایی بار پاره شده و در نتیجه باعث شده است دستگاه تزریق پلاستیک بر روی این کارگر سقوط کند.

لازم به ذکر است کارخانه پارت پلاستیک خراسان، یک واحد تولید قطعه برای شرکت‌های خودروسازی است که در شهرک صنعتی خیام در بخش زیرخان شهرستان نیشابور واقع شده است.

📖 اطلاعیه‌ها

بیانیه جمعی از فعالان کارگری، روزنامه نگاران و نویسندگان ایران

کوشندگان برپایی جشن اول ماه مه را آزاد کنید

ابراهیم مددی رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و همچنین محمود صالحی و عثمان اسماعیلی کوشندگان کارگری کردستان به دلیل برپایی جشن روز کارگر دستگیر شده‌اند. طبق اصل ۲۷ قانون اساسی کشورمان و همچنین مقوله نامه‌های بین المللی و منشور جهانی سندیکاهای کارگری این حق (برپایی جشن روز کارگر) به رسمیت شناخته شده است، ما جمعی از فعالان کارگری، روزنامه نگاران و نویسندگان با اعلام حمایت همه‌جانبه از این عزیزان، خواهان آزادی هر چه سریع‌تر و بدون قید و شرط ایشان هستیم و تاکید داریم که تجمع و اعتراض حق همه مردم ایران است و دستگیری فعالین کارگری زیر پا گذاشتن حقوق انسانی و شهروندی و اصل ۲۷ قانون اساسی است.

مرگ کارگر شرکت «طرح ساحل بندی ارس» در کانکس نگهبانی

دوشنبه شب، انفجار پیک نیک گازدرکانکس نگهبانی شرکت مجری طرح ساحل بندی ارس منجر به مرگ یک کارگر در شهرستان مرزی پارس آباد مغان شد.

به گزارش ۲۲ اردیبهشت ایلنا، در این حادثه مرگبار که دوشنبه شب در ساحل رودخانه مرزی ارس و در یک کانکس نگهبانی شرکت مجری طرح ساحل بندی ارس رخ داد نگهبان شرکت به نام «کاظم افلاکی» به علت سوختگی شدید پس از انتقال به اورژانس بیمارستان خمینی پارس آباد درگذشت.

تاخیر در اعلام دلایل مرگ کارگر پارت پلاستیک خراسان

با گذشت بیش از یک هفته از مرگ کارگر با سابقه «پارت پلاستیک خراسان» بر اثر سقوط بار جرثقیل، مقصر وقوع به گزارش خبرنگار این حادثه هنوز معرفی نشده است. ایلنا، بازرسان اداره کار تا امروز گزارش چگونگی وقوع این حادثه را منتشر نکرده‌اند اما گمانه زنی می‌شود که راننده جرثقیل یا کارفرما به عنوان مقصر مرگ



کانون مدافعان حقوق کارگر

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های ایران

هیات تحریریه نشریه پیام سندیکا نشریه درونی
سندیکاهای کارگری ایران

علیرضا فرهادی عضو سابق هیات مدیره کانون -
بازنشستگان و عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران
شرکت واحد ۱۳۶۲

نبی معروفی عضو هیات مدیره سابق سندیکای کارگران -
(بنایان ساختمانی تهران ۱۳۶۲)

جواد مهران گوهر عضو سابق هیات مدیره سندیکای -
کارگران کفشان تهران ۱۳۶۲

رضا کنگرانی فراهانی عضو سابق سندیکای کارگران -
خیاطان تهران ۱۳۶۲

علی نجاتی (عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر -
هفت تپه)

امیر احمدی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر -
هفت تپه

عبدالله وطنخواه نماینده کارگران کارخانه وکیوم پارس و -
عضو کانون متحد کارگری، حسین امیدی - عزت دولت آبادی

-کاظم فرج اللهی- نسرین هزار مقدم - حسین
یوسفی - محمد حبیبی - علیرضا آدینه - سیما
عبادی رضا اسدآبادی - عماد الدین شوری - کمال
محمودی - سعید ندیمی - آرمان اسماعیلی -
ریحان می‌رخانی - ید اله نعمتی - سعید نادری -
اردلان باستانی - میلاد شهرکی - الهام ملیبوسیف -
نوید غلامی - امیرحسین مصباحی - اوختای
حسینی - حسام سلامت - اشکان جباری - امیر
چمنی - امید اقدمی - آرش محمدیمهدی توپچی -
امیرعباس آذرمدوند - حسین آذرگنیشسب - بهنام
بوذری‌نژاد - کیانوش بوستانی - عباس شهرابی -
فران نیکی - وهاب حسن‌زاده - میلاد پشتیوان -
رضا غیبی - اوختای قلی‌وند - الوار قلی‌وند - سارا
برلوئی - سعید حسن‌زاده - حمید رضا کشاورز -
هورا دیلگونی - مهرآوه نام‌آور - آرمین سردار -

سندیکای کارگران نقاش استان البرز

ابراهیم مددی و داود رضوی را آزاد کنید

ادامه بازداشت ابراهیم مددی و داود رضوی را محکوم
می‌کنیم.

هموطنان - کارگران؛

در آستانه اول ماه مه، امسال دو تن از اعضای سندیکای
کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



ابراهیم مددی و داود رضوی بدون هیچ عذر و بهانه‌ای بازداشت و تا به امروز هیچ گونه خبری از وضعیت آنان در دست نیست. ما سندیکای کارگران نقاش استان البرز ضمن محکوم نمودن تعرض به اعتصاب و تجمع‌های کارگری و بازداشت فعالان سندیکایی، خواستار آزادی بدون قید و شرط ابراهیم مددی و داود رضوی هستیم.

سندیکای نقاشان استان البرز

۲۱/۲/۹۴

اندیشه

رمز گم شده



آیت نیافر

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران

موفقیت طبقه کارگر جهت بدست آوردن رفاه اجتماعی را چگونه باید پیشبرد؟ تمامی آن، مطالبات کارگران است، که این طبقه اجتماعی بزرگ را به حرکت وا می‌دارد. درست است که رفاه کارگران با افزایش دستمزد میسر می‌گردد و افزایش دستمزد یک محور اساسی و اصلی طبقه کارگر است. اما **از آمار ۱۲ میلیون کارگرانی که حق بیمه پرداخت می‌کنند که قابل استناد است. آیا حداقل ۱۰ درصد این کارگران برای افزایش دستمزد یا به میدان گذاشته‌اند؟ یعنی اعتراضات و اعتصابات جهت «افزایش دستمزد» به وقوع پیوسته است؟ آیا کسی سراغ دارد؟ متأسفانه چنین امری در جنبش کارگری اتفاق نیفتاده است!!** باید پاسخ داد چرا، چنین نشده است؟ مگر به فقر و فلاکتی که زندگیشان را فرا گرفته، می‌توان شک کرد؟ البته که نمی‌توان شک کرد. با توجه به اجاره مسکن، قیمت ۳۰ هزار تومانی گوشت، و دیگر ارزاق عمومی گران، با داشتن حتی یک فرزند محصل، دانشجو یا بیکار، حمل و نقل بهداشت، آموزش، پوشاک، قبوض افزایش یابنده هر فصل (آب، برق، گاز، تلفن)، خوراک حتی نان و سیب زمینی باشد.

آیا با وجود فاکتورهای نام برده شده، باز جای شکی برای شخصی باقی می‌ماند؟

باید پرسید: چرا جنبش «افزایش دستمزد» در ایران پدید نمی‌آید؟

آیا می‌توان گفت اختناق و سرکوب مبارزات کارگران است؟

آیا می‌توان گفت: عدم وجود تشکل است و عدم امنیت شغلی است؟

آیا می‌توان گفت عدم آگاهی لازم و جوان بودن طبقه کارگر است؟

آیا می‌توان گفت: پاسخ را باید جای دیگری جست؟

شرایط موجود برای طبقه کارگر و جنبش آن را بیشتر، کند و کاو کنیم افزایش دستمزد، مطالبه‌ای که برای کارگران حیاتی بوده و از بدو پیدایش نظام سرمایه داری با آن متولد شده است. این خواسته کارگران، به پرچم اعتراضات کارگران بدل شده بود.

هم اینک نیز جایگاه ویژه خود را دارد، اما با توجه به تغییر شرایط اجتماعی، مطالباتی پیش آمده که افزایش دستمزد، به پس زمینه دیگر مطالبات کارگران در آمده است.

عدم کسب پیروزی و موفقیت طبقه کارگر را در کدام نقطه از جنبش کارگری باید جست‌وجو کرد!!؟ سوالی که ما فعالان کارگری و کارگران آگاه و پیشرو باید به آن پاسخ دهیم. بررسی شرایط سخت طبقه کارگر که دستمزدی نازل و چندین برابر زیر خط فقر دارد و پایداری دستمزدهای پایین را در کجا باید پیگیری نماییم؟ بیکاری، گرانی، تورم، قراردادهای سفید و موقت، عدم امنیت شغلی، ممنوعیت اعتصابات و اعتراضات کارگری عدم وجود تشکلهای واقعی مستقل از دولت، حقوق‌های عقب افتاده و همه این مشکلات و معضلاتی که روی سرخانواده‌های کارگری و دیگر مزدبگیران فرو دست جامعه آوار گردیده است. چگونه به جنبش کارگری باید جهت داد.



اینک تعطیلی کارخانه‌ها، پدیده اخراج‌های دست جمعی، قراردادهای موقت و سفید امضاء، عدم پرداخت دستمزدها، تشکیل تشکله‌ها و تغییر قوانین کار، به یک باره کل هستی طبقه کارگر را زیر سوال برده است. وجود آوردن چنین شرایط سختی برای کارگران، واقعاً اولویت تک‌تک مطالبات را از میان برداشته است، ممکن است که حفظ موقعیت برای کارگران در مقابل یورش همه جانبه سرمایه و دولت‌ش، آن‌ها را تنها در حالت تدافعی قرارداده باشد.

اگر ما فعالان خود را آگاه به امر جنبش کارگری و همچنین پیشرو این جنبش به حساب بیاوریم و مقید به روابط و اصول انسانی بدانیم. باید همکاری عملی و جامع و کاملی را با یکدیگر در پیش بگیریم.

زیرا که امر سازماندهی نه یک گروه یا جمعیت کوچک، بلکه بخش بسیار بزرگی از جمعیت یک جامعه تقریباً ۱۵ میلیون کارگر را در پیش روی خود داریم. این جمعیت بسیار بزرگ، حداقل به افراد حرفه‌ای، سازمانده و فعالان کارگری قابل ملاحظه‌ای نیاز دارد.

تعطیلی شرکت‌ها و کارخانه‌ها، یکی پس از دیگری، لشکر بزرگ بیکاران را هر روز انبوه‌تر می‌سازد، در چنین موقعیتی، آیا افزایش دستمزد می‌تواند پرچم کارگران باشد؟ کارگری که بیکار می‌شود، آن اندک دستمزد رانیز از دست می‌دهد (با داده است) آیا اصلاً جایی برای طرح افزایش دستمزد وجود دارد؟

حالا اگر ما تعداد افراد بسیار کم (فعالین کارگری)، میان خود را با افکار، عقاید و سلیقه‌ها خط کشی کنیم. فعالیت ما جز آب در هاونگ کوبیدن بیش نخواهد بود.

یا اینکه برای مزدی کمتر از حداقل دستمزد، نزد کارفرمایان گردن کج می‌کنند تا به کار گمارده شوند؟

امر سازماندهی جمعیت بزرگی، به افراد فعال حرفه‌ای زیادی نیاز دارد، تا تحقق امر مطالبات و معضلات آن را پیش ببرند. لذا اگر این تعداد افراد، تنها و تنها برای منافع این طبقه اجتماعی فعالیت کنند، آنگاه می‌توان از امید و آرزوی، پیروزی سخن گفت.

کارگرانی که ماه هاست، دستمزد خود را نگرفته‌اند، حتی دیگر قادر به پرداخت هزینه قبوض آب و برق و گاز نیستند. این شریان‌های حیاتی برای زنده ماندن را نیز از دست داده باشند، آیا می‌توانند افزایش دستمزد را طلب نمایند. اعتصابات، تجمع‌ها، راه بستن کارگران، قریب به اتفاق به دلیل تأخیر در دریافت حقوق‌ها بوده است. اکنون بیش از ۸۰ درصد کارگران با قرار داد موقت و با سفید امضاء شاغل هستند. با کارگرانی که در مجموعه‌های تولیدی کمتر از ده تن شاغل هستند، و از شمول قانون کار خارج شده‌اند، هر روز را با دلهره و نگرانی برای از دست ندادن همین شغل خود، از خواب بیدار می‌شوید، سرکار می‌روید، و در طول روز شرایط سخت کار را تحمل می‌کنند، هم چنان با دنیای دل نگرانی برای حفظ آن شغل، روز را به شب می‌رسانند. آیا طرح افزایش دستمزد را می‌توانند حتی به تخیل خود راه دهند؟! روی آوردن به شغل دوم و سوم و فکر شاغل شدن همسران و سرکار رفتن کودکان، راه برون رفت از جبران دستمزدهای اندک است. دولت سرمایه داری شرایطی را بوجود آورده است که توانسته، زندگی ۹۹ درصد جامعه را به راحتی از آنان سلب نماید. عدم موفقیت طبقه کارگر در این معضل نهفته است که این مطالبات به جزء جزء حرکت‌های متفاوت و پراکنده تبدیل شده، که عدم دستیابی معضل به طبقه کارگر به مطالباتش منتهی گردیده است. مهم دیگری جنبش کارگری، در فعالیت، فعالان و تشکلهای غیر متمرکز و خارج از کارخانه‌های کارگران است.

لذا نزدیک شدن ما فعالان به یکدیگر یک ضرورت است که با مدیریت و برنامه ریزی، حوضه فعالیت خود را تعیین کنیم و به عنوان کار پروژه‌ای فعالیت خود را تعریف نماییم. مسلماً موفقیت‌هایی را در پی خواهیم داشت.

البته موارد حیاتی دیگری از فعالیت‌های اجتماعی که جنبش کارگری نیازمند آن است، وجود دارد. ما فعالان کارگری باید به آن بپردازیم.

/ عدم دسترسی به اذهان عمومی کارگران

/ عدم دسترسی به رسانه‌های جمعی

/ در اختیار نداشتن ابزار و وسایل لازم و کافی برای تصویب، قوانین حمایتی از حقوق کارگران

امیدوارم با گشوده شدن این بحث‌ها، گامی جهت موفقیت طبقه کارگر بدست آوریم.



صدای کارگر

جنبش کارگری

صعود به قله دماوند

با شعار آزادی معلمان در بند

هفتادسال مبارزه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

(قسمت اول)



سایت حقوق معلم و کارگر

اسداله نصیری از آموزگاران ساکن اسلامشهر به مناسبت هفته معلم از روز جمعه تا شنبه دوازده اردیبهشت در برنامه صعود به قله دماوند شرکت کرد.

وی در نامه‌ای اعلام کرد، این صعود را به همکاران دربندم تقدیم می‌کنم. با آرزوی آزادی این عزیزان و همه زندانیان صنف کارگر و نیز تحقق مطالبات برحق فرهنگیان و رفع تبعیض بین فرهنگیان کشور با دیگر کارمندان دولت.

متن تبریک شده در قله دماوند:

شاگردان دیروز ... مسولین امروز

اگر دماوند نماد استواری است،

!معلم نماد حق طلبی و مبارزه با تبعیض است

معلم معمار وادی شرافت است،

نه سیاست مدار گمشده در بازار سیاست

اعضای صعود کننده:

رسول بداقی - سید محمود باقری

عبداله مومنی - محمد داوری

هفته معلم گرامی باد/ اردیبهشت ۹۴- قله دماوند

مازیار گیلانی‌نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

با ترویج افکار آزادیخواهانه از دوران امیرکبیر و آمدن صنعت نوین در دوره عباس میرزا و تولد اولین هسته‌های کارگری در ایران، ضرورت داشتن سازمان‌های کارگری به تدریج احساس شد. با تشکیل نخستین اتحادیه کارگری ایران به سال ۱۲۸۵، در چاپخانه کوچکی در خیابان ناصریه تهران توسط محمد پروانه، کارگر چاپ و انتشار نخستین روزنامه کارگری در سال ۱۲۸۹ بنام اتفاق کارگران، پراکندن افکار کارگری آغاز گشت. با بازگشت محمد دهگان در سال ۱۲۹۰ و دیگر کوشندگان کارگری از روسیه به ایران، کادری لازم برای تشکیل اتحادیه ملی کارگران چاپخانه‌های سراسر ایران و سپس در پایان سال ۱۲۹۷ تشکیل شورای اتحادیه‌های کارگری تهران به مدیریت محمد دهگان امکان اجرایی شدن پیدا کردند.

اتحادیه‌های کارگری تهران در سال ۱۳۰۱ بیش از ۸ هزار عضو رسمی داشتند. با فرار رضا خان در شهریور ۱۳۲۰ و گردهمایی فعالان قدیمی اتحادیه‌های کارگری، احیای اتحادیه‌های کارگری آغاز شد. با فعالیت شبانه روزی این کارگران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳، با متحد گشتن چهار اتحادیه قدرتمند آن زمان «اتحادیه مرکزی کارگران»، اتحادیه کارگران و برزگران»، «اتحادیه کارگران راه آهن» و اتحادیه زحمتکشان ایران و چند اتحادیه کارگری دیگر» شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» را بوجود آوردند.



۳- حسین رامین، ریخته گر و در بهار ۱۳۳۳ با تلاش شورای متحده و کارگران مکانیک و تراشکار ارمنی اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل تهران شکل گرفت. متأسفانه از فعالیت‌های این اتحادیه اطلاعات کمی در دست داریم. بعد از غیرقانونی شدن شورای متحده در بهمن سال ۱۳۳۷ اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل نیز بطور غیرعقلی و توسط آقای بهاری که کارگر آهنگر و رابط بین اتحادیه و شورای متحده بود، به کارسندیکایی خود ادامه می‌داد. جلسات این گروه از کارگران با هماهنگی شورای متحده مرکزی برنامه ریزی شده و توسط مسوول مربوطه انجام می‌پذیرفت. در سال‌های ۱۳۳۰ به بعد که کمی اوضاع سیاسی بهتر شد کارگران اتحادیه مکانیک اتومبیل در خیابان منوچهری روبه‌روی سفارت انگلیس در پاساژی اجتماعات و یا در قهوه خانه‌ای جنب این پاساژ جلسات و گردهمایی‌های خود را برگزار می‌کردند. از کارگاه‌های مهم تراشکاری آن زمان که فعالان و رهبران اتحادیه کارگران مکانیک را از دل خود بیرون می‌داد، کارگاه تراشکاری بندار واقع در جنب میدان قزوین بود. کارگران تراشکاری بندار از اعضای اصلی و فعال این اتحادیه به شمار می‌رفتند. در سال ۱۳۳۱ در لاله‌زار پایین‌تر از کوچه برلن سمت راست در پاساژی اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل و شورای متحده دفتری جهت پیگیری مطالبات کارگران و امور سندیکا در طبقه دوم اجاره کرده بودند که رحیم نوری به عنوان کادر حقوق بگیر شورا به امور سندیکایی می‌پرداخت. رحیم نوری آهنگر ماشین بود، که شاگرد مکانیک‌ها و دیگر کارگران گاراژ را به اتحادیه مربوط می‌ساخت. آقای کلانکی یکی از همین شاگرد مکانیک‌ها بود که در دهه چهل موسس و رییس سندیکای کارگران کارخانه بتون باتیمان و بعد از انقلاب از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکار مکانیک می‌شود. لازم به ذکر است در سال‌هایی که هنوز وزارت کار تأسیس نشده بود، یکی از مهم‌ترین کارهایی که شورای متحده به نیابت از طرف کارگران انجام می‌داد رفع اختلافات ما بین کارگران و کارفرما بود که به طور ریش سفیدی انجام می‌گرفت. آقای بهاری یکی از افراد برگزیده شورای متحده جهت مذاکره با کارفرمایان بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد آقای کریمی از اعضای هیات مدیره اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل دستگیر و تا ۱۳۳۵ در زندان تپ ۲ زرهی زندانی بود. از دیگر فعالان اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱- روبن ناواراستپانیان کارگر باتری ساز کنار میدان بار فروش انبار غله خیابان ری

۲- آرسن آوانسیان

۳- حسین رامین، ریخته گر

۴- عزیز داوری، آهنگر

۵- سمباد، باطری ساز خیابان تخت جمشید روبه‌روی حضرت القدس

نام برد.

که حتا بعد از کودتای ۲۸ مرداد هنوز هم فعال بودند. از فعالیت‌های اتحادیه کارگران مکانیک اتومبیل می‌توان همگامی در به تصویب رساندن اولین قانون کار و تامین اجتماعی و پرورش کادرهای لازم برای جنبش سندیکایی نام برد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در پی سرکوب‌های وحشت بار، گروهی از کارگران فلزکار و مکانیک با انگیزه دفاع از تعطیلی جمعه در حوالی میدان قزوین و خیابان مخصوص در قهوه خانه‌ها گرد هم می‌آمدند. به رغم آنکه مطابق قانون، جمعه روز تعطیل و دارای مزد بود اما کارفرمایان با استفاده از فضای وحشت بار پس از کودتا، روز جمعه را روز کار اعلام کرده و کارگران را وادار به انجام کار در این روز می‌کردند. دفاع از تعطیل کار در روز جمعه انگیزه قوی در بین کارگران فلزکار و مکانیک برای اجتماع در مکان‌های همچون قهوه خانه بود. این دسته از کارگران با مسائل صنفی آشنا بودند و ضمن آن به دلیل شناخت از وضع موجود و ماهیت کودتاگران تا حدودی از بیان مشخص شعارهای اساسی‌تر بیم داشتند اما نسبت به مسایل صنفی نمی‌توانستند بی‌تفاوت باشند. این شیوه گردهمایی در قهوه خانه‌ها قریب یک سال و نیم ادامه داشت و در عین حال طی این سال‌ها جمع کارگران فلز کار و مکانیک گسترش می‌یافت. این جمع شامل مکانیک‌ها، آهنگران، تراشکارها، جوشکارها و تعمیرکارانی بود که در خیابان قزوین و گاراژهای واقع در آن منطقه شاغل بودند و با فلزات و کار روی فلز شناخته می‌شدند و درست به همین دلیل پس از تشکیل هیات موسس، سندیکای آنان به عنوان سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک شناخته شد. از سرشناسترین کارگران سازمانده این جمع می‌توان از محمد ابراهیم سمرقندی کارگر مکانیک پمپ‌های انژکتوری، ناصر کابلی و جلیل انفرادی و حسین نصیری و عبدالکریم غضنفری و ابراهیم آلوچه‌ای کارگر تراشکار نام برد.

اولین مجمع عمومی کارگران فلزکار و مکانیک با حضور بیش از ۱۸۰ کارگر اواخر سال ۱۳۳۶ برگزار و طی آن ۱۵ تن به عنوان نمایندگان کارگران در سندیکا برگزیده شدند.



قیمت‌ها تقریباً با عدالت تناقض دارد و مکانیزمی برای رسیدن به عدالت نیست، بلکه برای دستیابی به عدالت، فرصت‌های برابری را باید ایجاد کرد و نگاه کلان دولت در حوزه اقتصاد به طور کامل مشخص باشد و اصلاً نگاه دولت تولیدمحور و به سمت اشتغال باشد. بر این اساس، شما می‌بینید که در حوزه عدالت هم توفیقی حاصل نشد؛ گرچه گاهی ادعاهایی وجود دارد که ضریب جینی بهبود پیدا کرده، اما برآوردها نشان می‌دهد که در سال‌هایی که دولت قبل مدعی بود ضریب جینی به عنوان شاخص عدالت به سمت صفر حرکت کرده، ناشی از این بوده که گروه‌های متوسط قدرت خرید خود را از دست داده‌اند.

ادعای دیگری که در تبلیغات شاهد بودیم، تبعیض به نفع فقرا بود. در واقع گفته می‌شد که با هدفمند کردن یارانه‌ها می‌خواهیم از جیب پردرآمدها بیرون بیاوریم و به کم‌درآمدها بدهیم. یا این‌که چرا باید پردرآمدها حق کم‌درآمدها را بخورند. شما اگر یک توجیهی در حوزه حمل‌ونقل داشته باشید، ملاحظه می‌کنید که تقریباً ۶۰ درصد فقرا خودروهایی دارند که پرمصرف‌ترین سوخت را دارند. شما به بعضی از استان‌ها که نگاه کنید، می‌بینید ۶۰ درصد فقرا خودروهایی همچون پیکان، پراید و یا خودروهای فرسوده دارند، بنابراین، این گروه پرمصرف‌ترین سوخت را دارند. این در حالی است که اغنیا از خودروهایی برخوردارند که درست است گران‌قیمت است، اما مصرف پایینی دارند. پس از این منظر هم که نگاه می‌کنید، می‌بینید توفیقی حاصل نشده است.

از همه مهم‌تر، خود دولت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده است. برآوردها نشان می‌دهد که افزایش قیمت حامل‌های انرژی باعث می‌شود که ۶۰ درصد هزینه‌های دولت افزایش یابد. بنابراین از ابتدا مشخص بود که اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها نمی‌تواند موفق باشد. برای مثال، یکی از مکانیزم‌هایی که لازم بود در زمان شوک قیمتی در حامل‌های انرژی اتفاق بیفتد، این بود که حمل‌ونقل عمومی گسترش داده شود. اما چنین اتفاقی که منجر به بهبود حمل‌ونقل عمومی شود، تحقق پیدا نکرد.

دولت ادعا کرده بود که منافع حاصل از حذف سوبسیدها بابت پروژه‌های عمرانی و فرهنگی هزینه خواهد شد در حالی که می‌بینیم در این زمینه هیچ فعالیتی انجام نگرفته و از صندوق توسعه ملی طبق گفته مسئولان برداشت‌های متعددی نیز صورت گرفته است. در حالی که هیچ طرح عمرانی و زیربنایی در جهت رفاه حال مردم به سرانجام نرسیده است

. ابراهیم آلوچه‌ای بیشترین آرای انتخاب‌کنندگان را کسب می‌کند. متخبین کارگران در سندیکا عبارت بودند از داود شعاعی، غلامحسین نصیری، ناصر گارسچی، امیر رضایی، مصطفی مراد، قاسم خوشبخت، مرتضا فخار، عیسا قاقازانی، ابراهیم سممانی و ناصر مقدم که از بین این افراد ابراهیم سممانی مسوول تشکیلات، قاسم خوشبخت مسوول مالی، مرتضا فخار مسوول تبلیغات و عیسا قاقازانی به عنوان رییس برگزیده می‌شوند. ناصر گارسچی با سمت بازرس تشکیلات و یکی از اعضای برجسته و فعال سندیکا به شماره‌ی رفت، که در ۲۲ بهمن سال ۵۷ به هنگام تصرف کلانتری منطقه دونیروی هوایی به شهادت رسید. ناصرگارسچی از سازندگان اصلی پناهگاه کارگر بر فراز قله توچال و مربی کوهنوردی بود. یکی دیگر از اعضای سندیکای کارگران فلزکارومکانیک، صابرمحمدزاده کارگرتراشکار بود. وی درسال ۱۳۴۶ بدلیل فعالیت‌های کارگری واجتماعی دستگیر و در سال ۱۳۵۷ به همت زحمتکشان آزادشد...

ادامه دارد

یادداشت

سیر صعودی تعطیلی کارخانه‌ها

و تهی‌تر شدن سفره کارگران

(قسمت پایانی)

کانون مدافعان کارگر

محسن ایزدخواه، کارشناس اقتصادی مسائل تأمین اجتماعی و معاون پارلمانی سازمان تأمین اجتماعی دولت اصلاحات در گفت‌وگویی با خبرآنلاین به تحلیل خلاف واقع گویی‌های فراوان در فرآیند تصمیم‌سازی و اجرای پروژه هدفمندسازی یارانه‌ها پرداخته است. او موارد چندگانه‌ای را در رابطه با غیر واقعی بودن ادعای دولت در رابطه با هدفمندی یارانه را مطرح می‌کند.

ادعای غیرواقعی که مطرح شد، این بود که عنوان می‌کردند ما می‌خواهیم از طریق اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به عدالت دست یابیم. تقریباً در اکثر کشورها تجربه شده است که شوک‌درمانی در



، تقویت اعتبارات برای ایجاد زیربنای معادن بزرگ، افزایش ظرفیت فازهای گاز پارس جنوبی و همچنین حوزه‌های مشترک نفتی غرب کارون، اضافه شدن ۷ هزار مگاوات به ظرفیت برق کشور با اجرای پروژه‌های بخش بخار نیروگاه‌های بخش سیکل ترکیبی، توسعه مسکن، اجرای طرح مسکن حمایتی و همچنین تکمیل شبکه حمل و نقل و احداث بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر انواع راه، افزایش ظرفیت بنادر تجاری به ۲۱۰ میلیون تن در سال ۹۴، بهبود وضعیت نگهداری زیرساخت‌ها، اقدام عملیات ۲۱ بیمارستان با ظرفیت ۳۵۰۰ تن، تامین اعتبار لازم برای ۹ استادیوم ۱۵ هزار نفری و به بهره‌برداری رسیدن ۳۰۰ پروژه ورزشی، تجهیز ۶۰ دستگاه پرفدرت و متوسط تلویزیونی، تامین اعتبار لازم «برای بازسازی و نوسازی حوزه‌های علمیه خاوران

بیهوده نیست که زاغفر اقتصاددان اسلامی دانشگاه الزهرا هم صدایش درآمده و می‌نویسند» دولت یازدهم پا جای پای دولت دهم نگذارد. وی افزود: نظام اقتصادی ما هر روز در یک مسیر سراسیمه‌ی رو به نزول در حال حرکت است. تفکر ورشکسته‌ای متأسفانه حداقل ۲۵ سال است که اقتصاد کشور را رقم می‌زند کماکان ادامه دارد و تا اینجا اصلیت‌ترین قربانی هم تولید است و مادامی که تولید صنعتی محوریت صنعت کشور را تشکیل ندهد این فرایندها فقط به بدتر شدن وضعیت اقتصادی کمک می‌کند.

بالخص تولید کالاهای صادراتی که دارای مزیت نسبی باشند.» از طرفی نگاهی اجمالی به ترکیب و انتخابات داخلی اتاق به خوبی بیان می‌کند که چرا این اتاق به مرکز اشخاصی که در حوزه واردات فعال هستند تبدیل شده و چرا ورزشکاران و بازیگران و... و فرزندان مقامات از کاندیداها و حامیان این اتاق می‌باشند.

از طرفی نیز بخش وسیعی از جامعه کشاورزی ما از بین رفته و بسیاری از مردم بیکار وابسته به پول خیراتی شده‌اند. علاوه بر این موارد، واردات بی‌رویه کالاهای بدون کیفیت و قاچاق کالا توسط افراد بانفوذ، باعث شده تا کارخانه‌های متعددی قادر به ادامه حیات نباشند، مانند قاچاق سیگار و کارخانه دخانیات که از کارخانه‌های بزرگ و سودآور در ایران بود که اکنون نیز با مشکل عدم توانایی پرداخت حقوق کارگران و کارمندان مواجه است و همچنین صنایع نساجی که سال‌هاست ورشکسته شده‌اند. کارخانه‌ها نه تنها چرخ اقتصادی کشور هستند بلکه اکثر خانوارهای کارگری و کارمندی نان خود را از کار در این کارخانه‌ها به دست می‌آورند، شرایط هر روز بیش از پیش برای مردم سخت‌تر می‌شود که این می‌تواند خطر شورش‌های اجتماعی عظیم و ناگهانی را رقم زند و به همین دلیل دولت با افزایش بودجه‌های امنیتی و دفاعی بیش از گذشته اقدام نموده در حالی که به خوبی می‌داند که نخواهد توانست با نیروی سرکوب و نظامی ماندگاری خود را تضمین کند، بخش دفاعی و امنیتی دولت یازدهم بخش عظیمی از بودجه کشور را هر ساله می‌بلعد. امسال نیز بدون توجه به نیازهای مردم بودجه سال ۱۳۹۴ فقط با افزایش تقریباً ۴ درصد نسبت به سال ۱۳۹۳ مبلغ ۲۹۴ میلیارد دلار اعلام شده است به راحتی می‌توان ادعا کرد که نه تنها جایی برای زندگی مردم در این بودجه تعیین نشده بلکه اقتصاد ریاضتی شدیدی را نیز به مردم تحمیل خواهد کرد. در حالی که بودجه نظامی (دفاعی) بیش از ۲۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و (تقریباً ۶۵ درصد آن به سپاه پاسداران و سایر نیروهای نظامی مانند بسیج تخصیص یافته است) بودجه وزارت اطلاعات ۴۰ درصد افزایش یافته و این‌ها در کنار کاهش بودجه‌های رفاهی و آموزشی با توجه به نرخ تورم بالا به خوبی نمایانگر شرایط بسیار سختی است که بر مردم تحمیل می‌شود.

نتیجه گیری

متن سخنان روحانی هنگام ارائه بودجه سال ۹۴ به مجلس چنین است: «توجه ویژه به افزایش ظرفیت بخش خصوصی، تقویت اعتبارات مرتبط با ساماندهی، توجه به توسعه مشارکت بخش غیردولتی در تأمین مالی، منظور کردن اعتبارات کافی برای خاتمه طرح‌هایی که دارای پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰ درصد و امکان خاتمه آن‌ها در سال ۹۴ وجود دارد، تأمین اعتبار برای شروع طرح‌ها و پروژه‌های جدید، تأمین اعتبار لازم برای تجهیزات گمرکات،